سرمقاله

حکومت و ضرورت جلوگیری از استخراج غیرقانونی معادن

حفیظ الله زکی

فساد اداری و درآمدهای نامشروع زیان ها و خسارت های هنگفت مالی را به افغانستان تحمیل کرده است. زیان ها و ضررهایی که کمتر از خطر تروریسم و شبکه مافیای مواد مخدر نیست. در افغانستان این سه پدیده طی سالهای متمادی باهم تعامل برقرار کرده و یک سیکل قدرتمند و نامیمونی از اقتصاد مافیایی را تشکیل داده است. اقتصادی که امروزه پای بسیاری از مقامات بلندپایه حکومتی را به سوی خود کشانیده است.

در افغانستان از یک طرف ضعف و ناتوانی حکومت در ایجاد سیستم نظارت و کنترل و از سوی دیگر شریک بودن بسیاری از دولتمردان در درآمدهای نامشروع، روند مبارزه بافساد و قاچاق را دشوار کرده است. فساد، کارایی حکومت را از بین برده و اعتماد میان مردم و حکومت را تضعیف نموده است. فساد، میلیاردها دالر از کمک های جامعه جهانی را هدر داده و سالانه ملیون ها دالر سرمایه ملی را برباد می دهد.

در سال های اخیر در کنار سؤ استفاده های دیگر، استخراج غیر قانونی معادن نیز به بحث های داغ رسانه ای تبدیل شده است. تعدادی از مناطقی که دارای معادن می باشند، عملا یا تحت تصرف طالبان و گروه های مسلح غیر قانونی قرار دارند و یا کنترل و نظارت دولت در آن ولسوالی ها به دلایلی ضعیف می باشند. از اینرو افراد و گروه های فرصت طلب از این خلأ بهره برداری کرده و به صورت خودسر اقدام به استخراج معادن و قاچاق آنها به کشورهای همسایه می کنند. اگرچه روند استخراج و فروش غیرقانونی معادن در افغانستان داستان جدیدی نیست و از زمان جنگ های داخلی در این کشور تعدادی از گروه ها بخشی از هزینه های خود را از طریق استخراج و فروش معادن تأمین می کردند؛ اما تصور این امر پس از پانزده سال حاکمیت نظام سیاسی، کمی عجیب به نظر می رسد. شگفت آورتر این که در سال های گذشته دولت عامدانه تلاش کرده تا این موضوع همچنان از دید رسانه ها سرپوشیده و مسکوت بماند.

در دوسال اخیر کارشناسان، محققان روی استخراج غیر قانونی معادن بیشتر تمرکز نموده و در نتیجه ابعاد بیشتری از این مسأله را در اختیار رسانه ها قرار داده است. در تازه ترین اظهار نظر سفیر اتحادیه اروپا درکابل گفته است که استخراج غیر قانونی معادن در افغانستان دامنه نا امنی ها را گسترش می دهد و ادامه این روند سبب شده است تا افغانستان سالانه در حدود صد میلیون دالر را از دست بدهد. این دیپلومات می گوید که معافیت از مجازات افرادی که در استخراج غیر قانونی معادن در افغانستان دست دارد سبب گسترش استخراج غیر قانونی معادن در مناطق مختلف افغانستان گردیده است.

این در حالی است که افغانستان همه ساله با کمبود بودجه مواجه بوده و این کمبود را از طریق جلب کمک های خارجی جبران می کند. تا هنوز حکومت افغانستان ۱۴۰۰ مورد از معادن کشور را شناسایی کرده، بدون این که در مورد استخراج آن برنامه و استراتژی زمانبندی شده ای در نظر گرفته شده باشد. بی برنامه گی حکومت از یک طرف و ناکارآمدی سیستم عدلی و قضایی و گسترش فساد از سوی دیگر سبب شده که کار استخراج غیر قانونی معادن نه تنها از سوی گروه های مسلح مخالف دولت که از طرف افراد و اشخاص زورمند و غیر مسؤل محلی نیز صورت بگیرد.

در آینده یکی از منابع مطمین عایداتی برای حکومت افغانستان استفاده مؤثر از معادن می باشد. معادن می تواند تا ده سال آینده بیشتر از نصف بودجه ملی را فراهم سازد. غفلت و بی توجهی در شناسایی، استخراج و جلوگیری از عوامل مخرب در این زمینه می تواند ضربات جبران ناپذیری را بر پیکره اقتصاد کشور وارد سازد. در سال های گذشته فساد در قراردادهای وزارت معادن نیز به بحث جنجالی در کشور تبدیل شده بود. بدون شک تا زمانی که شفافیت و نظارت مطمین در قراردادها به وجود نیاید و تا زمانی که معافیت از مجازات در دستگاه قضایی وجود داشته باشد، استفاده بهینه از معادن کشور به امری ناممکن تبدیل خواهد شد.

پیامدهای سیاست خارجی بی ثبات برای افغانستان

رحیم حمیدی

افغانستان از جمله کشورهایی است که همواره قربانی سیاست خارجی خود بوده است. ناامنی ها، تنش های داخلی، گسترش مهاجرت های داخلی و بیرونی، بی ثباتی سیاسی و ... ریشه به سیاست خارجی بی ثبات افغانستان داشته و دارد. چرا سیاست خارجی دارای اهمیت است؟ چرا ما همواره به خاطر سیاست خارجی خود قربانی داده‌ایم؟ در نوشتار کنونی سعی می کنم این مسئله را بررسی بگیرم.

آغاز تنش سیاسی در افغانستان که در نهایت منجر به منازعه داخلی شد در زمان حکومت داوود خان بر می گردد. در زمان داوود خان ساختار نظام بین الملل دو قطبی بود. در یک قطب ایالات متحده آمریکا و در قطب دیگر شوروی سابق قرار داشت. ساختار به گونه ای بود که گسست از یک قطب و پیوستن به قطب دیگر همواره هزینه بر بود. براساس تقسیم جغرافیایی میان این دو قطب قدرت افغانستان در قطب شوروی قرار داشت. به دیگر سخن، افغانستان تحت نفوذ و از جمله قلمرو شوروی محسوب می شد. داوود خان بدون توجه به این ساختار غیر منعطف روابط افغانستان را با شوروی به هم زد. براساس، داده‌های تاریخی داوود خان برخورد تند با مقامات شوروی نمود و بعد از آن تلاش نمود تا با قطب دیگر ارتباط برقرار نماید. هزینه این سیاست آمدن کمونیست ها در افغانستان بود. در واقع، بعد از گسست داوود خان و جهت دهی سیاست خارجی به سمت ایالات متحده آمریکا شوروی تلاش نمود که تا کمونیست ها را وارد قدرت نماید. شوروی موفق به این کار شد. کمونیست ها با یک کودتای خونین وارد ساختار قدرت شد و عملا قدرت سیاسی را به دست گرفت.

روی کار آمدن کمونیست ها و بعدها کشیده شدن پای قشون سرخ شوروی ریشه در سیاست خارجی افغانستان داشت. در واقع، نخبگان سیاسی در رأس قدرت بدون توجه به ساختار نظام بین الملل و امکان بازیگری در چنان فضای دست به سیاست زد که نتیجه آن روی کار آمدن کمونیست ها و اشغال افغانستان از سوی قشون سرخ شوروی بود.

کمونیست ها تا آخرین مرحله به قطب شوروی وفادار ماند. با این حال، سیاست های آن ها منجر به خیزش ها و شورش های مردم شد. بیش از همه محافظه کاران و بنیادگراها نسبت به نقش خود احساس خطر می کردند به همین خاطر، جنبش های مقاومت را علیه نظام کمونیستی شکل دادند که بعدا تبدیل به جهاد مردم علیه کمونیست ها شد. کشورهای همسایه از این فرصت پیش آمده استفاده نموده و گروه های مخالف حکومت مرکزی افغانستان را تمویل و تجهیز نمودند. کمک ها اگر چه از سوی ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی به گروه های مجاهدین می شد که بیشتر جنبه ایدئولوژیک داشت اما، توزیع کمک ها از سوی پاکستان صورت می گرفت.

داوود خان در کنار چرخش از چپ به راست سیاست رادیکال گرایانه در قبال پاکستان در پیش گرفته بود. پاکستان سیاست داوود خان را خطری جدی برای امنیت ملی خود درک نمودند. داوود خان یکی از کسانی بود که داعیه پشتونستان را داشت. همین مسئله و این سیاست باعث شد که پاکستان از فرصت پیش آمده استفاده بهینه نموده و تلاش نماید که افغانستان بی ثبات شده و در نهایت، بتواند گروهی را سر قدرت بیاورد که با آن ها همسو باشد. پاکستان موظف بود که کمک های مالی و تسلیحاتی آمریکا و عربستان را میان تمام گروه های جهادی تقسیم نماید اما، این کشور در توزیع کمک ها گزینشی عمل نمود و برخی گروه های جهادی که با سیاست های این کشور بیشتر همسو بود، کمک های بیشتر می نمود.

در دهه ۱۹۹۰ گروه طالبان بر سر قدرت آمد. این گروه هیچ درک و اهمیت به سیاست خارجی نمی داد. به همین خاطر، به ارزش ها و مکانیسم های بین المللی بی توجه بود. نتیجه آن به رسمیت شناخته نشدن حکومت این گروه از سوی مجامع بین المللی بود. آن ها بجای توجه به سیاست خارجی کشور و توجه به ارزش‌ها، الزامات و قواعد بین المللی به گروه های تروریستی بر مبنای مکانیسم های قبیله ای اهمیت بیشتر داد. نتیجه آن بحران مشروعیت بین المللی برای امارت اسلامی طالبان بود که در نهایت منجر به حمله ایالات متحده آمریکا به افغانستان شد. مردم افغانستان یکبار دیگر قربانی شد.

با فروپاشی امارت اسلامی و شکل گیری حکومت جدید وضعیت اما، بهبود نیافت. در تمام دوره حکومت حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین افغانستان اصول سیاست خارجی افغانستان به صورت روشن و شفاف تعریف نگردید. سیاست خارجی بیشتر در رفتارها و سخنان شخص رئیس جمهور بازتاب می یافت. فقدان اصول و معیارها باعث شد که سیاست خارجی افغانستان در قبال بسیاری از کشورها فراز و نشیب را تجربه نماید. سیاست خارجی ما حتی در قبال بزرگترین حامی ما در سطح بین الملل و در اجرای سیاست های داخلی با فراز و نشیب همراه بود. پاکستان کشور دوست و دشمن ما بود. نتیجه آن چیزی است که امروز ما شاهد آنیم. ما نتوانستیم اعتماد آمریکا را جلب کنیم تا ما را به عنوان شریک استراتژیک خود در منطقه محسوب نماید.

با روی کار آمدن اشرف غنی انتظار می رفت که افغانستان در عرصه سیاست خارجی خود از سردرگمی رهایی یابد. اما، به نظر می رسد که وضعیت چندان تغییر فاحشی ننموده است. اشرف غنی، رئیس جمهوری سیاست خارجی کشور را در پنج حلقه ترسیم کرد. کشورهای همسایه در اولویت قرار داشت. او تلاش نمود با تمام کشورهای همسایه رابطه حسنه برقرار نماید. چندین ماه است که رابطه افغانستان و پاکستان سیر قهقرایی به خود گرفته است اما به نقطه رسیده ایم که در دوران حکومت حامد کرزی قرار داشتیم. نفس اهمیت دادن و اولویت دادن کشورهای همسایه در سیاست خارجی خود یک نقطه مثبت است اما، فقدان اصول مشخص باعث می شود که ما در روابط خود با کشورها ثبات را تجربه نتوانیم به همین خاطر، فضای روابط افغانستان و پاکستان را بدبینی گرفته است.

مسئله اما، تنها به پاکستان پایان نمی یابد. حکومت وحدت ملی تلاش دارد که تا کمک نظامی از مسکو دریافت نماید. تجهیز نیروهای امنیتی کشور اهمیت استراتژیک برای سرکوب گروه های مخالف مسلح دولت دارد اما، تجهیز نیروهای امنیتی نباید به پیمانه ایجاد بدگمانی میان ایالات متحده آمریکا و افغانستان تمام شود. مسکو رقیب نظامی جدی واشنگتن است. درخواست کمک از مسکو در عین حضور نیروهای آمریکایی در افغانستان امر چندان معقول نیست. به همین خاطر، احتمال آن می رود که ما هزینه این سیاست را یکبار دیگر بر مردم افغانستان تحمیل نمایم.

بنابراین، چندین دهه است که ما قربانی سیاست خارجی خود بوده‌ایم. هیچ گاه نتوانسته ایم خود را در کنار یک ابرقدرت حفظ نموده و از ظرفیت های آن به صلح و ثبات برسیم. ما همواره تلاش نموده ایم که سیاست خارجی بی ثبات و خارج از چارچوب و اصول مشخص داشته باشیم. این بی ثباتی در سیاست خارجی نتیجه جز جنگ و ویرانی برای ما نداشته است و نخواهد داشت.

سیاست خارجی در کشور های در حال توسعه

رضا رها

تصامیم دارد.

سیاست خارجی رابطه مستقیم با تغییر منزلت کشور ها در عرصه بین الملل دارد به همین خاطر یکی از دغدغه های اساسی پالسی سازان، نخبگان و تصمیم گیران سیاست خارجی کشور ها تغییر منزلت کشور در عرصه بین الملل می باشد.نخبگان سیاسی و تصمیم گیرندگان سیاست خارجی کشور ها ممکن سیاست های همگرایانه و یا واگرایانه را برای تغییر منزلت کشور ها مفید بدانند. بنابراین سیاست خارجی از آنجایی که بر موثریت و نقش کشور ها در عرصه بین الملل تاثیر دارد مهم است که سیاست خارجی کشور های جهان سوم را که افغانستان و کشور های همسایه ما جزء آن می باشد مورد بررسی قرار دهیم.

رویکرد های مختلف در مورد تصمیم گیری و جهت گیری در سیاست خارجی کشور ها وجود دارد که یکی از مهمترین نظریه ها و رویکرد ها نظریه رئالیسم است. اهمیت این نظریه از آنجا ناشی می شود که به بخش عظیم تاریخ روابط کشور ها را معنی و شکل می داده است و امروزه نیز کشور های جهان سوم بیشتر با رویکرد رئالیستی به رفتار ها و رویداد های بین نگاه می کند.

در نظریه و رویکرد رئالیسم دولت-ملت تنها بازیگران اصلی روابط بین الملل دانسته می شود و تنها ابزار اساسی و مهم دولت-ملت در عرصه بین الملل برای پیش برد سیاست خارجی زور و قدرت نظامی می باشد. به همین خاطر مهمترین مسئله برای رئالیست ها در عرصه بین الملل مسئله نظامی- امنیتی می باشد i.

برجسته ترین نظریه پردازان نظریه واقع گرایی هانس جی. مورگنتا است. وی بیان می دارد که هر کشور در عرصه بین الملل مسئول تضمین بقای هویت فیزیکی، سیاسی و فرهنگی خویش در برابر تعرضات دیگر کشور هاست. مورگنتا سیاست خارجی را چیزی جز نمایش قدرت برای کسب اعتبار، توسعه طلبی استعماری و حفظ وضع موجود نمی داند. رئالیست ها تنها ابزاری که برای حفظ بقا و تامین منافع ملی تعریف می کند، قدرت نظامی می باشد.

از آنجایی که رویکرد رئالیستی بر سیاست خارجی کشور های جهان سوم حاکم است درک و فهم نخبگان سیاسی از قدرت، منافع ملی و امنیت نیز رئالیستی می باشد. در نظریه رئالیسم جنبه سخت افزاری قدرت بیشتر برجسته شده است. قدرت نظامی نمود عینی و روشن قدرت سخت افزاری است ii که کشور های جهان سوم بیشتر بر آن تاکید دارد. برای همین است که میزان سرمایه گذاری کشور های جهان سوم در عرصه نظامی بیش از دیگر عرصه ها می باشد.سرمایه گذاری نظامی از آنجا برای کشور های جهان سوم اهمیت دارد که بقای خود در بهبود وضعیت قدرت نظامی می داند. فهم این ها از امنیت و منافع ملی مبتنی بر قدرت سخت افزاری است . به این معنی که منافع ملی باید بر حسب میزان قدرت کشور ها در عرصه نظامی تعریف شود.

آنچه در مسئله امنیت در کشور های جهان سوم مهم و اساسی می نماید این است که امنیت در کشورهای همسایه را به معنی ناامنی در کشور خود تلقی می کند برای همین منظور تلاش می نماید تا امنیت کشور های همسایه را به هم بزند. این سیاست از طرف کشور ضعیف تر اتخاذ نمی شود بلکه توسط کشور های که نسبتا از همسایه خود قدرت بیشتر دارد چنین تصامیمی اتخاذ می شود. به همین خاطر است که گروه های بنیاد گرا و ستیز های قومی در کشور های جهان سوم بیشتر است چون این گروه ها بیشترین کمک های مالی خود را از کشور های همسایه دریافت می کند.

درک سخت افزاری از قدرت و تعریف منافع ملی و امنیت بر بر حسب میزان قدرت باعث می شود که کشور های جهان سوم بیشتر سیاست های واگرایانه ای نسبت به هم داشته باشد. سیاست واگرایی از آنجا ناشی می شود که کشور ها منافع ملی خود مذاکره ناپذیر می داند. اتخاذ چنین سیاستی باعث می شود که هر کشور فکر کند که بقایش در خطر است به همین خاطر بیشترین سرمایه گذاری های که در سیاست خارجی خود می کند، برهم زدن امنیت کشور های همسایه می باشد.

برای بیرون رفت از این معضل کشور های جهان سوم باید دید خود نسبت به قدرت، منافع ملی و امنیت تغییر دهد و این مهم زمانی بدست می آید که این کشور ها رویکرد رئالیستی را تنها رویکردی برای فهم و درک رفتارهای بین المللی نداند. این کشور ها باید بپذیرد که بازیگران روابط بین الملل تنها دولت ها نیست بلکه شرکت های چند ملیتی و سازمان ها و رژیم های بین المللی نیز در کنار دولت ها نقش آفرینی می کند. مسائل اساسی جهان دیگر تنها مسائل امنیتی، نظامی نیست بکله مسائل اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی نیز اهمیت دارد. این دید در می تواند سیاست خارجی این کشور ها را از سیاست حاد به سوی سیاست ملایم بکشاند.

دیگر قاعده رفتار در عرصه بین الملل تعارض و مخاصمه نمی باشد که بر اساس آن یک طرف برنده و یک طرف بازنده مطلق باشد بلکه امروزه قاعده ای بازی بازتعریف شده است به گونه که دو یا چند بازیگر به منافع خود می رسد بدون اینکه یکی بازنده مطلق باشد. سلسله مراتب قدرت در نظام بین الملل که مبتنی بر قدرت نظامی بود جای خود را به همکاریهای پیچیده ای داده است که دیگر سلسله مراتبی نیست.

علاوه براین ها کشور های جهان سوم باید مجاری های ارتباطی خود را بیشتر کند. روابط غیر رسمی میان نخبگان دولتی، ترتیبات رسمی وزارت امور خارجه، روابط غیر رسمی نخبگان غیر دولتی و سازمان های فرا ملی مانند بانگ ها و شرکت های چند ملیتی را بیشتر کند. البته این ها زمانی به وجود می آید که این کشور ها دولت ها را تنها بازیگران اصلی در روابط بین الملل نداند.

سیاست امروزه دیگر مرزی نمی شناسد. تفکیک حوزه داخلی از حوزه خارجی دچار ابهام شده است بنابراین این کشور ها باید همان طور که سیاست همگرایانه در حوزه داخلی اتخاذ می کند در عرصه سیاست خارجی نیز باید چنین سیاستی را اتخاذ نماید. اگر سیاست همگرایانه اتخاذ نشود زمینه های اعتماد نسبت به هم شکل نمی گیرد و فضایی بی اعتمادی ممکن امنیت کشور ها را تهدید نماید.

در نهایت باید گفت که روابط گسترده اقتصادی میان کشور ها باعث می شود که کشور ها دیگر برای حل مسائل و مشکلات خود از قدرت نظامی یا به هم زدن امنیت کشور همسایه استفاده نکند بلکه بیشتر بر مسئله گفتگو و در نهایت فشار های اقتصادی اکتفا نماید. به همین خاطر مهم است که این کشور ها شرایط و زمینه های روابط اقتصادی گسترده را فراهم نماید.

i نظریه های گوناگون در باره جهانی شدن؛ حسین سلیمی، تهران: سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ص ۶۳

ii سید حسین سیف زاده، نظریه پردازی در روابط بین الملل مبانی و قالبهای فکری، چاپ سوم، تهران: سمت، ۱۳۸۱، ص۱۵۲

کارتون روز

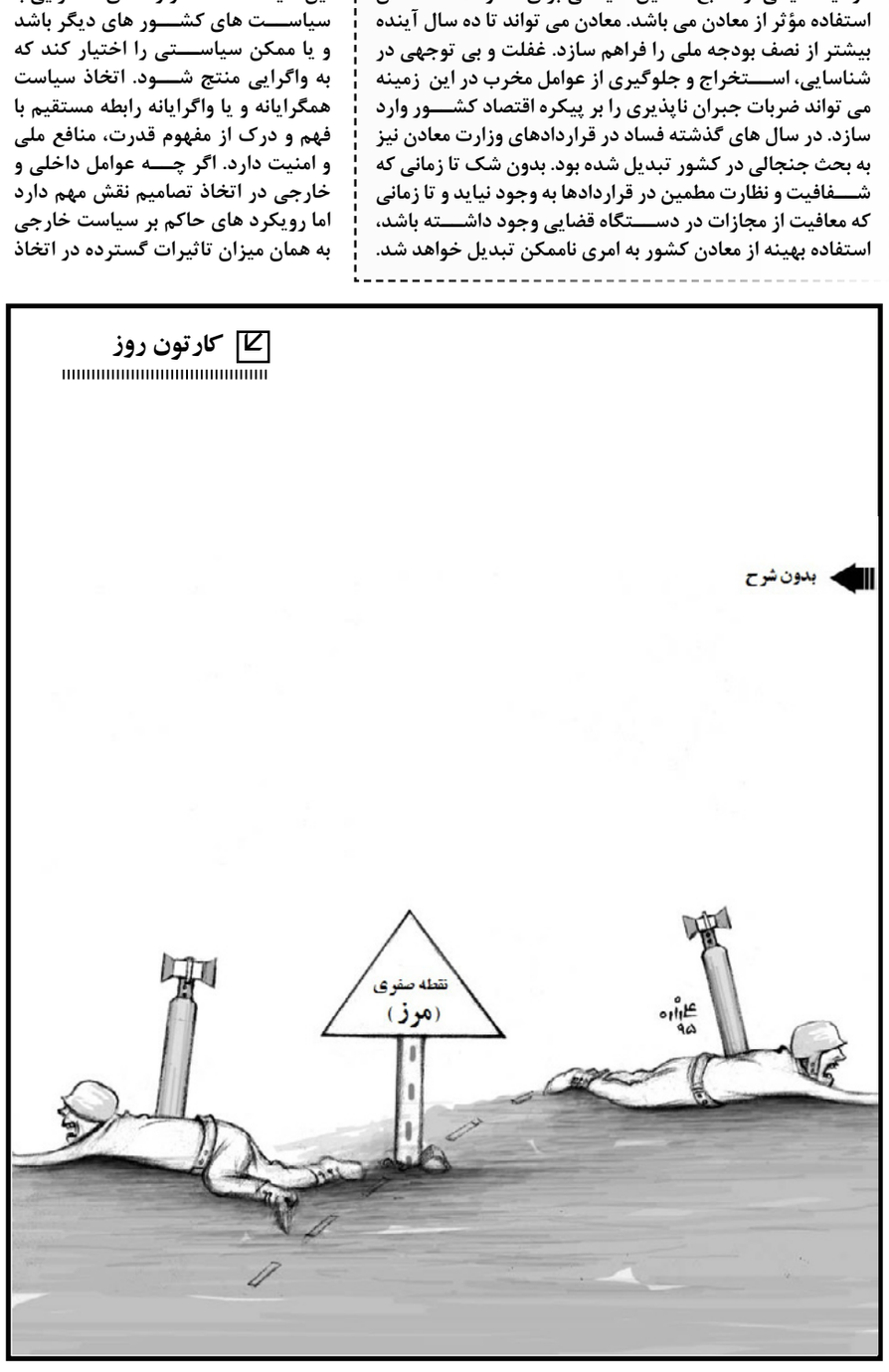

روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook Afghanistan The Leading Independent Newspaper

❑صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
❑مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳۴۱۸۶۱
❑سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱
❑ کاریکاتوریست: خالق علی زاده
❑دیزاین:علی‌اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
❑مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
❑آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر V- ۱۳۷

◇
روزنامۀافغانستان از همۀ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدۀ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
◇
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
◇
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com